

فصلنامه آفاق

سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶، خزان و زمستان ۱۳۹۰

جامعه مدنی با ماهیت دینی

سید ابراهیم سجادی

سخن اول

ایستادگی در برابر ستمگر و دفاع از مظلوم زیبا ترین سروده و خاطره تاریخ بشریت است. اگر امید به فریادرس و آرمان فریاد رسی را برداریم گذرگاه تاریخ به غار سیاه و وحشتناکی می ماند که نگاه به آن چیزی جز وحشت و نفرت به ارمغان نمی آورد.

خدای انسان اجازه نداد که ستم زده تنها بماند و تجاوز کار هر چه بیشتر به حق کشی دامن بزند! به همین دلیل با تربیت و برانگیختن پاک ترین انسان ها بین جوامع انسانی مختلف در طول تاریخ، این فریاد را پرطنین نگه داشت: «بندگی خدا پیشه کنید و از خود کامه فاصله بگیرید». (نحل / ۳۶) تا افراد جامعه با استمداد از خدا، طوفان حق کشی را تحت کنترل خود در آورند و ساختن جامعه خالی از ستم را هدف زندگی اجتماعی خود قرار دهند .

در کنار خط بعثت و نبوت، تاریخ به یاد آوری تداوم ایستادگی در برابر گسترش طغیان و حق کشی توسط جریان ها و گروه های عادی نیز می پردازد که نشان دهنده رویاروی خط انساندوستی با خط زور گویی می باشد.

مقاومت های از این دست نیز نبرد با تمام گونه های حق کشی را وظیفه خود می دانستند؛ ولی کنترل قدرت حاکم اساسی ترین هدف آنها را تشکیل می داد. حتی در قرون وسطی که پر اختناق ترین مقطع تاریخی اروپا و غرب را تشکیل می دهد، طبقات متوسط شهری در موارد زیادی، موفق به ایجاد نهاد های مستقل شهری شدند و انجمن های صنفی تشکیل دادند و بدین وسیله از توسعه استبداد حکومت جلوگیری می کردند (میر مدرسی / ۴۷-۴۹). در پاره ای از مقاطع تاریخ، طبقه اشراف بین فرد و دولت نقش سپر دفاعی را ایفا می کرده اند (نیراچاندوک/ ۱۱۱).

مدل بارز و خاور میانه ای این نوع ایستادگی «حلف الفضول» یا پیمان جوان مردان است که در تاریخ حجاز به ثبت رسیده است. این پیمان نخست بین جرهمی ها وجود داشت. بنیان گذاران اولی آن عبارت بودند از «فضل ابن فضاله»، «فضل ابن حارث» و «فضل ابن وداعه» و هدف اصلی آن را دفاع از حقوق افتادگان تشکیل می داد.

پیمان جوان مردان ماندگار شد. پیمان مشابهی که بیست سال پیش از بعثت در خانه عبدالله ابن جدعان به قصد دفاع از مظلومین بین عده ای که زبیر ابن عبدالمطلب یکی از آنها بود، بسته شد، نیز به نام «حلف الفضول» ثبت تاریخ گردید و پیامبر (ص) نیز از اعضای این پیمان بود و آن حضرت بعد از بعثت نیز از این پیمان به نیکی یاد می کرد. امام حسین (ع) نیز وقتی بیداد گری ولید ابن عتبه والی مدینه را مشاهده کرد به قصد تهدید وی از تجدید حیات پیمان جوان مردان سخن گفت و عبدالله ابن زبیر، مسور ابن مخرمه، عبدالرحمن بن عثمان نیز با آن حضرت هم صدا شدند (سبحانی، ۱۸۱-۱۸۲).

با مروری بر نکته های ثبت شده در «سخن اول» زمینه طرح و توجه به این واقعیت سرنوشت ساز اجتماعی فراهم می آید که پدیده طغیان گری و حق کشی عامل عمده تلخ کامی در تاریخ زندگی اجتماعی انسان بوده و برای



برچیدن بساط آن حرکت جمعی سازمان یافته، خردمندانه ترین راه حل می نماید که در عصر ما به عنوان جامعه مدنی مطرح می باشد.

راهکاری به نام جامعه مدنی

واژه جامعه مدنی از مفاهیم جدید و متعلق به قرن هفده است و نخستین بار توسط توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو به معنای جامعه قانونمند و شهری به کار رفت که نقطه مقابل جامعه بدوی است که در آن افراد خود سر به صورت طبیعی، بدون احساس تکالیف اجتماعی و به نحوی وحشی زندگی می کنند (نیرا چاندوک/ ۷۷ و سروش/ ۱۰۷-۱۰۹).

البته گاهی جامعه مدنی نقطه مقابل جامعه توده‌ای نیز به حساب می آید که در آن افراد همبستگی گروهی ندارند، منزوی و زده‌ای زندگی می کنند و به سادگی بسیج می شوند. در چنین جامعه‌ای همبستگی کاذب و توده‌ای دورا دور از قبیل پیوند نژادی و روح ملی جایگزین همبستگی و فضای ارتباط نزدیک می شود و به عبارتی جامعه کاذب شکل می گیرد (بشیریه / ۳۳۷).

به هر حال جامعه مدنی به مفهوم و معنای نوین خود ریشه ای سیاسی دارد و در ارتباط با دولت معنی پیدا می کند و مظهر تفکیک روش زندگی مدنی و سیاسی از یک دیگر است (نیرا چاندوک/ ۲۳ و ۷۲).

جامعه مدنی خود را رقیب و اصلاح گر جامعه سیاسی می داند و هوس رسیدن به قدرت را در سر نمی پروراند به این دلیل که شرکت در دولت خط فراموشی از ارزشهای انقلابی و فاصله گرفتن از مردم و انکار تغییر از پایین را با خود دارد (همان / ۲۸ و ۲۹ و ۷۹)، به همین دلیل آدم اسمیت با حیوانات حيله گر و مکار خواندن سیاستمداران، گفت: «به نظر می رسد که در تمام ادوار تاریخ شعار شرم آور فرمانروایان بشر این بوده است که همه چیز برای ما و هیچ چیز برای مردم» (همان/ ۷۹).

طرفداران تشکیل جامعه مدنی تربیت اعضای خود و کنترل دولت را مهمترین اهداف خود می شناسند و بر این باورند که در کنار تفکیک قوا، انتخابات دوره‌ای، مهمترین وسیله کنترل قدرت، وجود انجمن های اجتماعی است. این انجمن های اجتماعی، فرهنگی، حرفه ای و مذهبی در جامعه مدنی، می توانند قدرت دولت را کنترل کنند و با توجه خود به فعالیت های روز مره و نه صرفاً رویداد های مثل انتخابات، مشارکت در ابعاد وسیع تری از جامعه را میسر می سازند و با پرداختن به مسایل کوچک باعث افزایش هوشیاری و بیداری در جامعه می گردند(همان /۱۰۸).

انجمن ها که مصداق جامعه مدنی به حساب می آیند تکیه بر ایجاد شبکه خود یاری خود گردانی و جلوگیری از نفوذ دولت را بارز ترین مشخصه اندیشه معاصر دانسته و با تمام تلاشهای دولت برای کنترل زندگی اجتماعی مخالفت می ورزند (همان /۲۷).

انجمن ها دارای سازمان، ساختار و ایدئولوژی گسترده و کلی برای دگرگونی اجتماعی، توضیح استثمار، مظلومیت جامعه، نظام حامی وضعیت موجود و شیوه پایان بخشیدن به شرایط نامطلوب است(همان /۲۱)، و می کوشند که با رعایت اصول جامعه سیاسی و به صورت صلح آمیز و تنها با استفاده از سلاح استدلال و اقناع عقلی به فعالیت خود ادامه دهند (همان /۱۹۳).

طرفداران جامعه مدنی نقش انجمن ها را به کنترل دولت ها محدود نمی کند، بلکه در قدم اول به تشکیل انجمن مؤثر و تربیت اعضای آن می اندیشند و بر این باورند که فقر، جنایت، نا امنی، خشونت با تقلیل و کاهش سازمانها، واحد های خانواده، انجمن های محلی، مراکز عبادات و کلیسا ها و به طور کلی با بی علاقه‌گی افراد در مشارکت در این گونه اجتماعات مربوط می شود که معلول بی اعتمادی افراد به یکدیگر و به سازمانهای دولتی و غیر دولتی می باشد (مولانا /۱۷۵).



با این که ارتباط چهره به چهره و میان فردی از مهم ترین عوامل سازندگی در جامعه مدنی می باشد، در بسیاری از کشورها در اثر اشتغال مردم با دستگاه های اتوماتیک الکترونی و خود کار و گرایش های فوق العاده فرد گرایی که با وسایل مدرن ارتباطی و مصرفی، تشدید می یابد، فعالیت های جمعی از هر نوع کاهش یافته و عضویت در سازمان هایی که حضوری نمی باشند افزایش پیدا کرده است (مولانا /۱۷۸).

بر این اساس احیای انجمن ها و تشکل های مدنی از نیاز های اساسی عصر حاضر به حساب می آید تا در پناه آنها افراد ارزش عمل جمعی، همبستگی اجتماعی، احترام متقابل و تساهل نسبت به دیگران را فرا بگیرند و برای شهروندی و مشارکت در حوزه سیاسی دولت و محدود ساختن اختیارات آن که ذاتاً سرکوب گر و به نابودی استقلال زندگی اجتماعی تمایل دارد، آمادگی پیدا کنند (همان /۲۸ و ۳۲).

با توجه به این که از طریق انجمن های اجتماعی می توان به فضایل مدنی و سیاسی دست یافت، برخی علم انجمن شناسی را مادر علوم شمرده و می گوید: اگر قرار است انسانها متمدن باقی بمانند یا متمدن شوند به همان نسبت که برابری شرایط افزایش می یابد فعالیت انجمن ها نیز باید افزایش یابد (همان /۱۱۱).

بر اساس این تصور که تمام دولتها ذاتاً سرکوب گرند و به نابودی استقلال زندگی اجتماعی افراد تمایل دارند، در سراسر دنیا جامعه مدنی به عنوان عامل تأمین آزادی، حقوق فردی، ایجاد دموکراسی و ایجاد محدودیت برای دولت شناخته شده است (همان /۲۸).

نسخه تقلبی جامعه مدنی در جهان سوم

مطالعات جدید نشان می دهد که در ممالک غربی به ویژه در آمریکا، کانادا و کشورهای اروپای غربی فعالیت های دسته جمعی تحت عنوان جامعه مدنی به



شدت کاهش یافته است و افراد برای مشارکت در این گونه اجتماعات علاقمندی نشان نمی دهد (مولانا / ۱۷۵-۱۷۸) و نسبت به جامعه سیاسی و احزاب قدرت طلب بی تفاوت می باشند، از باب نمونه دو حزب دموکرات و جمهوری خواه که نماینده مکتب سرمایه داری آمریکا می باشند و تحت نفوذ مالی و سیاسی و فرهنگی سرمایه داران بزرگ و شرکت های غول آسای بازرگانی، صنعتی و اطلاعاتی این کشور هستند؛ هر کدام به دست یک گروه مشخص و محدود اداره می شوند و ۹۹٪ مردم جز تمایل ظاهری به این احزاب در موقع انتخابات، نقش مهمی در مشارکت سیاسی و برنامه ریزی آنها ندارند از سوی این احزاب کارت عضویت برای کسی صادر نمی شود، هیچ کس حق عضویت به این احزاب پرداخت نمی کند، این احزاب جز در مواقع انتخابات ستاد و ساختمان مخصوصی ندارند (مولانا / ۱۹۲).

در عین حال مردم سالاری غربی که جای خود را به دموکراسی نخبگان داده است، با هدف گیری خاصی به توسعه جامعه مدنی در جهان می اندیشد و در پی ترویج جامعه مدنی و دموکراسی غربی در کشورهای دیگر می باشد، و این هدف را از این دو راه دنبال می نماید.

دولت های غربی به تفکر جامعه مدنی به عنوان ابزار دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی نگاه می کنند و به تأسیس سازمان های اجتماعی می پردازند تا زمینه ایجاد محیط و فضای سیاسی قابل قبول آنها را در کشور های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، فراهم آورند. سازمان ملی اعطای دموکراسی، سازمان بیمه دولتی «بنیاد وست مینستر» و «مرکز بین المللی حقوق بشر و توسعه دموکراسی» به ترتیب در آمریکا، انگلستان و کانادا، نمونه هایی از این دست سازمان های اجتماعی می باشند. در مرحله دوم هدف فوق توسط دوایری تعقیب می شود که توسط سازمان های بین المللی



چون سازمان ملل، بانک جهانی، یونسکو و سازمان عفو بین الملل، به وجود می آیند(مولانا / ۲۴-۳۳).

بدین ترتیب جامعه مدنی با مصادیق مختلف خود در جهان سوم، به خصوص در کشور های اسلامی، غالباً با حمایت و جهت دهی سازمان های دولتی یا بین المللی وابسته به غرب به فعالیت خود ادامه می دهند. وابستگی جامعه مدنی در کشور های اسلامی ماهیت فرهنگی و استعماری دارد. غرب از این طریق در پی حذف یا تضعیف فرهنگ اسلامی و هویت دینی افراد جامعه؛ به خصوص نسل جوان می باشند. در این رابطه پاره ای از رفتار غیر انسانی و ارزش ستیزی های رایج در روابط خانوادگی و حوزه های سیاست و اجتماع در جوامع اسلامی که مورد انکار دین نیز می باشند به عنوان جلوه های دین داری، توسط جریان های یاد شده به صورت سازمان یافته معرفی می گردد تا زمینه دین گریزی و غرب گرایی نسل جوان مسلمان فراهم آید.

با چنین تهاجم سازمان یافته و با پشتوانه ای فعالیت های دینی حالت انفعالی به خود گرفته و با قدرت تهاجمی در عرصه مبارزه حضور ندارد. دین شناسی «تفقه» متناسب با نیاز های زمان رو به فراموشی پیش می رود، آموزش دینی مورد نیاز اقشار مختلف جامعه چندان چشم گیر نمی آید. تربیت دینی در مراکز آموزشی یا وجود ندارد، یا به صورت بسیار ضعیف، ناکار آمد، فردی و سلیقه ای مطرح می باشد و نه مبنایی، جمعی و سازمان یافته!

البته جامعه مدنی در کشور های اسلامی اقدامات نظارت گرایانه و نقادانه هم دارد و فعالیت های منفی دولتها را (که عمدتاً تحت تأثیر غرب می باشند) نیز گاهی به تصویر می کشد ولی؛ چنین اقداماتی مشکلی را حل نمی کند و از فساد دولتها چیزی را نمی کاهد، شاید به این دلیل که واداشتن دولتها به خدمت صادقانه و رعایت حقوق مردم هدف نیست و هدف اصلی و از پیش تعیین شده، ایجاد خوش بینی بین اقشار مختلف جامعه نسبت به خیر خواهی



غرب و ارزشهای غربی است که با هیا هوی نقادانه و رسانه ای تأمین می گردد.

به تعبیر دیگر با انتقاد های نه چندان خصمانه ولی؛ بسیا پر سرو صدا، یعنی پر هزینه و در ظاهر اصلاحگرایانه خیر خواهی غرب، رعایت آزادی بیان از سوی دولت و فعال بودن جامعه مدنی به نمایش گذاشته می شود که هیچ کدام به درمان درد های مردم نمی انجامد!

دین و جامعه مدنی

پیش از پرداختن به اصل مطلب چند نکته قابل تذکر می نماید:

یک. حکومت یا هر سه قوای اجرایی، قانون گذاری و قضایی یک واحد به هم پیوسته را تشکیل می دهد که بیشترین ابزار اعمال قدرت را در یک کشور دارد، صدها هزار نفر در هر حکومت منافع مادی و معنوی شان با هم گره می خورد و همه به صورت طبیعی انگیزه حمایت از آن را دارد تا زندگی فردی شان آسیب نیبند.

سلسله مراتب در حکومت همراه است با وجود سلسله مراتب در برخورداری از امکانات قابل استفاده در موقع اعمال قدرت. به همین دلیل پایین رتبه ترها خود را از اطاعت و حرف شنوی در مقابل ما فوق خود ناگزیر می بینند! و گرنه....

مراقبت و اعمال اقتدار بالایی ها و انگیزه تبعیت پایینی ها، به استحکام قدرت هیولایی حکومت می انجامد. حکومت هر چه مقتدر تر باشد مغرور تر و پر توقع تر و متکبر تر می شود.

حکومت متکبر مردم را هیچ می شمارد. بدین ترتیب رابطه مردم و حکومت تیره و تیره تر می شود. حکومت وقتی بد بینی مردم را احساس می کند به کنترل شدید تر دست می زند یعنی حق کشی بی رحمانه تر و ...



بر خور داری از قدرت همان استغنا است که به گفته قرآن عامل طغیان، و ستمگری و حق کشی فرد می باشد، اگر جمعی با این احساس تبارز پیدا کنند خطر آفرینی بیشتر دارند. به هر حال قرآن می گوید:

«ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی» (علق/۷)

(بی تردید انسان طغیان گر و تجاوز کار می شود همین که خود را بی نیاز بنگرد).

دو. حاکم یا حکومت وقتی که فاسد و ستمگر می شود، کل جامعه در معرض خطر آلودگی به طغیان قرار می گیرد. سرایت و توسعه این مرض در بدنه حکومت واضح است. وقتی که قدرت بالاتر عادت به طغیان دارد، زیر دستانش کم کم از او رنگ می گیرند و نسبت به پایین رتبه تر از خود ستم روا می دارند. بدین ترتیب تمام سطوح بدنه حکومت ستمگر می شوند و آنگاه همه آنها هم داستان می شوند در ستم به افراد رعیت که به صورت فردی در دام افراد حکومتی اسیرند و بی رحمانه مورد اذیت و آزار قرار می گیرند.

قرآن به همین دلیل پذیرفتن حاکمیت طاغوت را ناروا دانسته و ایمان کسانی را که به داوری طاغوت تن می دهند مورد تردید قرار می دهد و اعلان می دارد که طاغوت پذیری به معنای فاصله گرفتن زیاد از حق است.

«الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکمول الی الطاغوت و قد امرو ان یکفرو به یرید الشیطان ان یضلهم ضاللا بعیدا» (نساء/۶۰).

(مگر نمی بینی کسانی را که خیال می کنند به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو فرود آمده ایمان آورده اند، می خواهند برای داوری نزد طاغوت بروند با این که به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند اما شیطان می خواهد آنها را گمراه کند و به بیراهه ای دور دست بیفکند.)



سخنی معروف منسوب به پیامبر (ص) در این رابطه خواندنی است که می فرمایند: «صنفان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدا فسدت امتی قیل یا رسول الله و من هم؟ قال الفقها و الامراء» (حرانی / ۵۰).

«دو دسته از امت هر گاه فاسد باشند تمام امتم به فساد کشیده می شوند و هر گاه صالح باشند تمام امتم راه صلاح و شایستگی را پیش می گیرند! گفته شد: آن دو دسته چه کسانی می باشند؟ فرمود: دانشمندان و فرمان روایان».

سه. مهار و کنترل طغیان حکومت در سطوح مختلف آن دشواری و درد سر های مخصوص به خود را دارد. کسی را که به نقد و اصلاح حکومت می پردازد و درکارش جدی می باشد، خطرهای گوناگون تهدید می کند، در عین حال دین در کنار تأکید بر گزینش فرمانروایان شایسته به قصد جلوگیری از طغیان و ستمگری حکومت، مبارزه با طغیان گری را وظیفه دینی هر مسلمانی می شناسد. در سخنانی از پیامبر، پی آمد فردی نادیده گرفته شدن این وظیفه و ارزش انجام آن این گونه گوش زد شده است: «قال من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله، ناکثا لعهدالله مخالفا لسنة رسول الله يعمل فى عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر ما علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله» (طبری، ۳/۳۰۷).

«پیامبر(ص) فرمود: کسی که می بیند حاکم ستمگری را که حرام های خدا را حلال می شمارد، و پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می کند و رفتارش با مردم گناه آلود و ستمگرانه است، در عین حال با عمل و سخن، تغییر رفتار او را هدف قرار نمی دهد، بر خداست که این تماشا گر را با آن حاکم ستمگر (در جهنم) هم نشین قرار دهد» .

قال(ص): «افضل الجهاد کلمة حق عند امام جائر» (رشید رضا ، ۴/۳۲).

پیامبر(ص) فرمود: گفتن سخن حق در برابر پیشوای ستمگر، بهترین و با فضیلت ترین جهاد است.



قال(ص): «سید الشهداء حمزه بن عبد المطلب ثم رجل قام الى امام فامره و نهاه في ذات الله فقتله على ذلك» (همان ، ۴/۳۲).

پیامبر(ص) فرمود: سید و بزرگ شهداء، حمزه فرزند عبدالمطلب است و پس از آن مردی که در مقابل پیشوایی قیام کند و او را امر (به معروف) و نهی (از منکر) نماید برای رضای خداوند و توسط او به شهادت برسد.

با توجه به مطالب فوق حرکت حکومت در مسیر طغیان طبیعی می نماید و برای کنترل آن تدبیری لازم است. در شرایط فعلی به دلیل فعال بودن پدیده استعمار و استکبار و تهاجم فرهنگی غرب، حکومت از هر زمان دیگر بیشتر در معرض انحراف از مسیر عدالت قرار دارد و نگهداری آن در خط عدالت توجه جدی تری و همگانی تری را می طلبد و گرنه حکومت، حق کشی را تا مرز واگذاری کشور به استعمار توسعه خواهد داد.

طرح کلی

تمام مسلمانان وظیفه دارند که با تعاون، به هم پیوستگی و مشورت گیری و مشورت دهی، کار خیر را توسعه دهند، بر مشکلات چیره شوند و برای رسیدن به قله پیروزی تلاش نمایند. انجام این وظیفه همان گونه که بر افراد مجموعه سه نفری لازم است، بر جامعه میلیاردری نیز واجب می باشد.

قرآن در مقام توضیح این راه کار کلی و لازم الاجرا در تمام عصر ها و شرایط گوناگون می گوید:

«و امرهم شوری بینهم» (شوری/۳۸):

(کار های آنان بر اساس مشورت انجام می گیرد.)

«و تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده /۲):

(در نیکو کاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید.)

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل

عمران/۲۰۰):



(ای کسانی که ایمان آوردید، پایداری کنید و یکدیگر را به پایداری فرا خوانید و با یکدیگر پیوند داشته باشید از خدا بترسید تا رستگار شوید.)

واژه «امرهم» در آیه که اشاره به کارهای مورد مشورت دارد، می تواند همزمان کارهای فردی و اجتماعی را با هم پوشش دهد. از جمله «تعاونوا علی البر» نیز چنین شمول و فراگیری قابل استفاده است.

بر این اساس افراد جامعه قرآنی در کنار کارهای شخصی، به اهداف مشترک و قابل تعقیب در بیرون از جمع خود شان نیز فکر می کنند؛ ولی آیه سوم اشاره به مشکلات طاقت فرسا و گرفتاری های تحمیل شده از بیرون دارد که تهاجم دشمن بیرونی و طغیان حکومت ها بارز ترین مصداق آن می باشد. در چنین مواردی هر فردی باید صبر پیشه کند، صبر هر کسی تکیه بر صبر دیگری یا دیگران داشته باشد و تمام توانایی ها با هم گره بخورند و در قالب یک طرح، یک هدف و یک اقدام با رعایت تقوا تبارز پیدا نماید.

پیام مشترک آیات فوق این است که جامعه دینی به فرد سازی و جامعه سازی عنایت مسئولانه دارد، با مشورت و دقت، افراد شایسته را برای مدیریت جامعه بر می گزیند. اگر در حکومت کج روی و انحراف پدید آید، با مشورت و پایداری قدرت مندانه، به کنترل و اصلاح آن می پردازد و هیچ گاه تداوم تجاوز و ستم گری را در بدنه حکومت تحمل نمی نماید. این نکته به وضوح از آیه زیر که بعد از آیه مشورت واقع شده و ویژگی دیگر زندگی در جامعه دینی را توضیح می دهد، قابل استفاده می باشد:

«و الذین اذا اصابهم البغی هم ینتصرون» (شوری/۳۹)؛

([مومنان] کسانی هستند که موقع قرار گرفتن در معرض ستم از یکدیگر یاری می طلبند).



وقتی جامعه یک دست و هم صدا در برابر ستم گر فریاد می کشد، انگیزه ستم می خشکد و روحیه عدالت خواهی و حق مداری تقویت می شود و تشویش ها جای خود را به آرامش می دهد.

راه کار عملی

دین به دنبال تشکیل امت است. امت در لغت عرب عبارت است از گروه انسانی که هدف مشترکی را دنبال می کند. (ابن عاشور، ۳/۱۷۹)، تمام کسانی که ایمان می آورند باید مقصد و هدف مشترکی را دنبال کنند و همه در یک مسیر حرکت نمایند و با استفاده از قرآن به عنوان ریسمان الهی وحدت شان را به نمایش گذارند(آل عمران /۱۰۳).

در نگاه اول تحقق چنین هدفی دور از انتظار می نماید و این سؤال مطرح می شود که یک میلیارد مسلمان چگونه می توانند در یک مسیر حرکت کرده و یک هدف را تعقیب نمایند؟

قرآن برای عملی شدن این هدف بلند، پیشنهاد عملی تری دارد و به تعبیر دیگر شکل گیری امت فراگیر را در گرو تشکیل امت های کوچک (که حکم هسته های قابل استفاده برای ساختن امت بزرگ را دارد) می داند، به همین دلیل در قرآن اهمیت و کار آیی امت بزرگ و امت کوچک سازنده آن، به عنوان دو ضرورت اجتناب ناپذیر در کنار هم مطرح شده است:

«کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» (آل عمران /۱۱۰)؛

(شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید در حالی که به کارهای پسندیده فرمان می دهید و از کار های ناشایست منع می کنید و به خدا ایمان می آورید.)

«و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» (آل عمران /۱۰۴)؛



(و باید از میان شما مسلمانان جماعت سازمان یافته و هم صدا به وجود آید که به خیر و نیکی فرا بخوانند و به کارهای شایسته فرمان بدهند و از کارهای ناشایست منع کنند و این طایفه یقیناً رستگارند.)

تعدادی از مفسرین (طالقانی، ۵/۲۵۹) و ابن آشور، (۳/۱۸۰) و مراقی، (۴/۲۳) آیه دوم را تکرار آیه زیر دانسته اند که جهاد علمی و تحصیل در حوزه دین شناسی را هم سنگ جهاد گرم با تجاوز کاران یا مهم تر از آن قلم داد می کند، تا بدین وسیله شناخت دینی که هدف اساسی رسولان به حساب می آید؛ همگانی شوند :

«و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون» (توبه / ۲۲)، (و نباید مؤمنان همگی به جهاد روند، چرا از هر گروه ایشان، دسته ای سفر نکنند به قصد دستیابی به شناخت عمیق دینی و چون باز گشتند قوم خود را بیم دهند بدین امید که بترسند و خود داری کنند.)

وحدت نظر دو آیه اخیر در جلوگیری از خلاف کاری تردید ناپذیر است؛ ولی دعوت به خیر، عمومیت و گستردگی بیشتر قلمرو مفهوم آیه امر به معروف را می رساند و رواج تمام نیکوکاری ها را مورد تأکید قرار می دهد؛ ولی آیه نفر با توجه به دو واژه «انذار» و «یحذرون» نگاه به رعایت وظیفه در حوزه واجبات و محرمات دارد.

به هر حال از نظر قرآن در هر جامعه ای باید گروه توانمند از نظر علمی، مهارت معلمی و درک سیاسی وجود داشته باشد تا تمام افراد آن جامعه را حکیمانه و دلسوزانه در مسیر عدالت و نیکوکاری سوق دهد.

محمد عبده و رشید رضا (تفسیر المنار، ۴/۳۸) و مراغی (تفسیر المراغی، ۴/۲۲) حجازی (التفسیر الواضح، ۱/۲۶۲) بر این باورند که باتوجه به این که مخاطب آیه همه مؤمنان است، باید وجود امت کوچک و سازنده را همه آنان به



رسمیت بشناسند و در ایجاد آن نقش ایفا کنند و در انتخاب افراد مناسب شرکت نمایند.

این طرح به صورت عینی در مورد باشندگان یک ناحیه، اهالی یک روستا، اعضای یک فامیل، افراد یک قوم، اصناف مختلف جامعه، دانشجویان رشته های گوناگون و اهالی هر مسجد در هر کشوری، قابل تطبیق می باشد، تمام افراد منسوب به واحدهای اجتماعی به عنوان گروه های با ایمان وظیفه دارند که گروه های ویژه‌ای را به قصد تحقق هدف های یاد شده ایجاد و سازماندهی نمایند.

گروه ها یا امت های کوچک همچون قومیت های مختلف که در مقاله «راهکار دینی گذر از قومیت به امت» (سجادی، فصلنامه آفاق / ۱۰۵-۱۴۴) به بحث گرفته شد؛ می توانند با سازماندهی خاصی، بین شان ارتباط برقرار نمایند و توانمندی غیر قابل انکای را به وجود آورند و در سطح منطقه‌ای و بین المللی اقدامات بزرگ و سرنوشت سازی داشته باشند.

ایجاد پیوند آرمانی بین گروه های متعددی که با اندیشه اصلاح، رواج معروف و ریشه کن کردن بدی ها و رونق هر چه بیشتر نیکوکاری، مشکلی ندارد. چنین پیوندی در قالب های مختلف ثابت و نامنظم قابل تحقق است. تشکیل سمینارها با حضور هیئت های اجرایی، مسئولان فرهنگی، مسئولان سیاسی و ریاست ها، به قصد ایجاد هماهنگی عمیق تر در فعالیت های فکری، فرهنگی، سیاسی و موضع گیری ها، به صورت فصلی یا سالانه که برای ایجاد امت بزرگ ارزش حیاتی دارد، برخی از مصادیق ارتباط گیری های آنها را تشکیل می دهد.

محورهای فعالیت زیست جمعی در تفکر دینی با هدف گیری ویژه و مخصوص مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است. هر مسلمانی خود را مخاطب این آیه می شناسد: «یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم» (مائده / ۱۰۵)

که خود نگهداری را وظیفه نخست او می‌داند. نگهداری خود به این است که در کنار دوری از هر نوع خلاف کاری، گرایش به خوبی‌ها و نفرت از بدیها، در جان تقویت می‌شود و در قالب اراده کار یا ترک گناه تبارز پیدا می‌کند.

محور اول

با توجه به مطلب فوق هدف اساسی دستور دین به زندگی جمعی یاری‌رسانی متقابل افراد به همدیگر در امر دینداری و رشد ارزش‌گرایی است. جمله معروف: «مؤمن آینه مؤمن است»، اشاره به چنین یاری‌رسانی دارد. در قرآن نیز جملات: «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» (عصر ۳) که سفارش متقابل افراد یک گروه را به رعایت دو اصل پایداری و حق‌گرایی، عامل‌رهایی از خسران و زیان می‌داند، در حقیقت یاری‌رسانی متقابل در امر خود نگهداری را بیان می‌کند.

بر این اساس کسی یا کسانی که در پی پیوستن به گروهی و یا تشکیل گروه می‌باشند در قدم اول دنبال زمینه‌سازی برای رشد شخصیت انسانی و دینی خود می‌باشند، به همین دلیل حق دارند در این رابطه با نگرانی قدم بردارند تا رفتار دسته‌های نا ساخته و نا آگاه به اصول زیست جمعی مورد نظر دین، نشوند. وقتی که تمام گروه‌ها و مجموعه‌های مدنی برای رشد شخصیت دینی اعضای خود تلاش می‌کنند زیبا ترین رقابت به نمایش گذاشته می‌شود.

محور دوم

مجموعه‌های مدنی دین‌مدار، همان گونه که به سلامت و رشد افراد و اعضای خود می‌اندیشند، سلامت و رشد انسانی را در محیط بیرون از خود نیز با تیز بینی و دقت زیر نظر دارند. به این دلیل که افزایش آلودگی محیط، آنها و نسل آنها را تهدید می‌کند و بی تفاوتی در برابر آن، همزمان بی تفاوتی در برابر نابودی ارزش‌ها و نسل خود به حساب می‌آید و این، گناه نا بخشودنی می‌



باشد. به این ترتیب تلاش جمعی و سازمان یافته افراد هر دسته، برای حراست از ارزش ها در بیرون از دایره جمع خود، یک آرمان اجتماعی مقدس به حساب می آید.

این محور در سه حوزه زیر مورد توجه قرار می گیرد:

یک. در تفکر زیست جمعی از منظر دین توجه افراد هر گروه به سلامت افراد جامعه یک مسئولیت است و نیازمند مطالعات پژوهشی و آسیب شناختی و اقدامات سازنده و پاک کننده می باشد. در داخل گروه، آمادگی علمی و اخلاقی بر اساس جمله نورانی «تواصوا بالمرحمة» (بلد / ۱۷) به وجود می آید. سفارش به دلسوزی که در داخل گروه صورت می گیرد با رشد آگاهی و روحیه مردم دوستی همراه می باشد. دلسوزی در برآوردن نیازهای مادی خلاصه نمی شود؛ بلکه نیازهای معنوی از قبیل سلامت عقیده، اخلاق و فکر را نیز در بر می گیرد. نیازهای معنوی زایده تهاجم فرهنگی و دسایس استعمار می باشد که تمام مسلمانان را تهدید می کند. معرفی تهدید های از این دست نیاز به آموزش جدی دارد و به آسانی انجام نمی گیرد.

دو. وسوسه شناسی دومین رسالت گروه های مدنی را در رابطه با حفظ و اصلاح جامعه، تشکیل می دهد. مقصود وسوسه های مادر و اصلی است که امروز به قصد ترویج و تبلیغ فکر و فرهنگ استعمار صورت می گیرد و در صدد این است که مسلمان را بی بند و بار، سکولار و بی تفاوت در برابر فکر و فرهنگ خودش بار آورد. در این رابطه از ابزار پیشرفته و مغزهای ورزیده و افراد و گروه های وابسته بومی استفاده به عمل می آید.

واحد های مدنی، فعالیت های پنهان و آشکار وسوسه گران را به صورت واضح و همه کس فهم در معرض دید و شنید افراد جامعه خود قرار می دهند. چون از نگاه آنها وضاحت، شفافیت و مستند بودن تنها عمل موفقیت به حساب می آید، رشد توان نویسندگی، توان گویشی، فراگیری هنر های دینی و



هنر مداحی و دعا خوانی در جمع افراد گروه برای تحقق هدف وسوسه شناسی مؤثر می باشد.

قرآن وسوسه شناسی را با عبارت های مختلف بیان می کند. آخرین تبیین قرآن در آخرین سوره آن (سوره ناس) قابل مطالعه است که در آن وسوسه گران پنهان شونده: «الوسواس الخناس» برجسته نشان داده می شود. در این سوره پناه بردن به سه صفت: ربوبیت، الوهیت و فرمانروایی خداوند برای نجات از گزند وسوسه ها مؤثر شناخته شده است. یعنی تربیت دینی، پرستش و عبادت و توجه به نفوذ اراده الهی در دنیا و آخرت سبب نجات از گزند وسوسه ها با رنگ های گوناگون می باشد.

وسوسه شناسی در عصر حاضر بدون غرب شناسی نا ممکن است. تنها شناخت عمیق اهداف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب می تواند به مسلمان انگیزه رویارویی و مقاومت فکری و فرهنگی بدهد.

سه. کنترل حکومت سومین و دشوار ترین وظیفه جامعه مدنی می باشد که در دو مرحله به انجام آن می پردازد: در مرحله واگذاری پست ها و مقام ها می کوشد که از روی کار آمدن افراد ناشایسته جلوگیری کند و پس از رسیدن افراد به قدرت نیز بر رفتار آن ها نظارت دارد، و کم کاری و طغیانگری آنها را به نقد می نشیند و می کوشد طبق روش پیشنهاد شده در باب امر به معروف و نهی از منکر، به صورت مسالمت آمیز، مشکل را بر نفع اسلام و مسلمانان حل نماید.

دشواری انجام این مسئولیت در این است که در کنار فساد آفرینی طبیعی قدرت، قدرت استعماری نیز وسوسه می کند تا حکومت ها مطابق ساز آنها برقصند و ضد ارزش را به عنوان ارزش مطرح نمایند. این نوع وسوسه با فضا سازی بسیار جدی، مورد حمایت قرار می گیرد، تهدید و تطمیع با هم در سطوح مختلف حکومت و کارمندان را به حرکت در راستای منافع رقیب هدایت



می نماید؛ ولی با توجه به اتکای جامعه مدنی در مبارزه خود بر ارزش های دینی که مورد احترام و اعتقاد مسلمانان می باشد، اگر گروه های مدنی با همدستی به کنترل حکومت ها بپردازند موفقیت شان قطعی خواهد بود.

محور سوم

تجربه تشکل سازی و ایجاد واحد های مدنی در جهان اسلام متأسفانه تجربه انشعاب و فروپاشی را تشکیل می دهد. به همین دلیل ماندگار شدن جامعه مدنی از نگاه بسیاری از مسلمانان هدف دست نیافتنی می نماید.

در ماندگاری واحد های اجتماعی، عوامل مختلفی نقش دارد که احسان مهمترین آنها به حساب می آید و با سه مصداق نسبتاً مستقل بین افراد گروه مبادله می شود و آنها عبارتند از:

مدد رسانی مادی بین افراد گروه که بر اساس نیاز های زندگی صورت می گیرد. قرض الحسنه دادن، آموزش حرفه ها، انواع کمک رسانی های مؤثر برای سامان بخشیدن به زندگی معیشتی، برخی از مصادیق این نوع از احسان را تشکیل می دهد. آرامش ناشی از احسان به این معنا یقیناً به استحکام بیشتر به هم پیوستگی افراد گروه می انجامد.

دومین مصداق احسان، احسان معنوی است که محصول فعالیت تک تک اعضا به منظور انجام هر چه بهتر وظایف واگذار شده می باشد. وقتی که هر فرد در زمینه های مختلف فرهنگ، فکر و سایر حوزه ها، ایفای وظیفه کرده و نتایج موفقیتش را تقدیم گروه می کند، در حقیقت به آنها روحیه مقاومت می دهد و در عمق جان آن ها امیدواری خلق می کند. همان گونه که مسئولیت گریزی نتیجه معکوس دارد و به یأس و نا امیددی دامن می زند.

مصداق سوم، گذشت است، که در جلو گیری از فروپاشی گروه نقش اساسی دارد. زمینه لغزش آمیخته با سوء تفاهم در حیات جمعی، همیشه فراهم است



و اگر با واکنش مشابه رو به رو گردد، سبب مرگ زود هنگام جمع می شود و در صورت گذشت و چشم پوشی محبت را به ارمغان می آورد. قرآن می گوید:

«و لا تستوی الحسنه و لا السيئه اذفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینہ عداوة کانه ولی حمیم» (فصلت / ۳۴)، (نیکی و بدی برابر نیست [بدی دیگران را] با شیوه نیکو تر پاسخ بده، اگر چنین کنی، کسی که بین تو و او دشمنی است، به دوست صمیمی تو تبدیل می شود.)

سخن پایانی

جوامع اسلامی، جوامع استعمار زده است که با سیاست: «ایجاد تفرقه بیانداز و فرمان بران» در صدد است که پراکندگی را در کشورهای اسلامی سرنوشت اجتناب ناپذیر قلمداد کند و در این رابطه از تفاوت های ملی، قومی و زبانی سود می برد. در مقابل این مشترکات اعتقادی، اخلاقی و فکری است که در صورت احیای مجدد می تواند نقشه استعمار را نقش بر آب کند. بنابراین ایجاد جامعه مدنی بدون احیای فکر دینی موفقیتهی نخواهد داشت و جامعه مدنی ناگزیر است دین شناسی و تربیت دینی را پایه و اساس فعالیت خود قرار دهد.



فهرست منابع

۱. ابن عاشور، محمد، التحرير و التنوير، چاپ دوم، بيروت: موسسه التاريخ، ۱۴۲۰.
۲. بشيريه، حسين، جامعه شناسی سیاسی، چاپ دهم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
۳. حجازی، محمد محمود، التفسير الواضح، چاپ دهم، بيروت: دار الجليل الجديد، ۱۴۱۳.
۴. حرانی، حسن، تحف العقول، چاپ سوم، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴.
۵. رشيد رضا، تفسير المنار، چاپ دوم، بيروت: دار المعرفة، بی تا.
۶. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، چاپ بیست و هفتم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۷. سجادی، سيد ابراهيم، «راهکار گذر از قومیت به امت»، فصل نامه آفاق، سال سوم، شماره نهم و دهم.
۸. سروش، عبدالکریم، (مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز)، چاپ اول، تهران: انتشارات نقش و نگار، ۱۳۷۷.
۹. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات قلم، ۱۴۰۰.
۱۰. طبری، محمد، تاريخ الطبری، چاپ دوم، بيروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸.
۱۱. مراغی، احمد، تفسير المراغی، چاپ دوم، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۵.
۱۲. مولانه، حمید، جامعه مدنی، چاپ اول، سازمان انتشارات، ۱۳۸۲.
۱۳. مير مدرسی، موسی، جامعه برین، چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۱۴. نیرا چاندوک، جامعه مدنی و دولت، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.